

گپ و گفت با محمد ملک، هنرمند خوش نویس و سرپرست گروه خوش نویسی «ملک»

از خوش‌نویسی حمایت کنیم که نمیرد

الهام ظریفیان

گفت‌وگوی ویژه

قبل از آنکه با محمد ملک، هنرمند خوش نویس اهل تربت حیدریه که هجده سال است ساکن مشهد شده است، بنشینیم سر میز چوبی گوشه تحریریه روزنامه و گفت‌وگو درباره حال‌ورز این روزهای خوش‌نویسی در مشهد را شروع کنیم. از من پرسید: «تأثیر این صاحب‌چیست؟، او که خودش هم از اهالی مطبوعات است. می‌گوید بارها حرف‌ها و گلايه‌هایش را در مصاحبه‌های مختلف گفته است. بارها گفته است که به داد خوش‌نویسی برسد، گفته که این هنر که هنر ملی ماست و با مذهب و ادبیات ما پیوند خورده. در حال فناست اما هیچ وقت دستی برای حمایت بلند نشده است. با جنس گلايه‌هایش ناآشنا نیستم. حرفش درد دل بیشتر هنرمندان است اما در این گفت‌وگو سعی کردم یک سمت دیگر ماجرا را بکاویم و بیشتر درباره مطالبه‌گر بودن یا نبودن خود هنرمندان گفت‌وگو کنیم.

خوش‌نویسی با اینکه هنر ملی ماست و با مذهب ما پیوند نزدیک دارد و هنری است که از قدیم در زندگی ما ایرانی‌ها در کتابت کاربرد داشته است به نظر می‌رسد در سال‌های اخیر از متن به حاشیه رانده شده است. دلپاش را چه می‌دانید؟

خوش‌نویسی هنر ملی ماست. ما جز آیات و روایات و پند و اندرز و اشعار مگر چه می‌نویسیم؟ در طول تاریخ اگر کتابان نبودند. الان ادبیاتی نداشتیم، علومی نداشتیم. ولی امروز که سراغ خوش‌نویس می‌آید که بگویند امروز در این بحران اجتماعی در این وضعیت نظرت چیست، چه پیشنهادی داری؟ ارسطو می‌گوید: هنرمند فضایی را خلق می‌کند که رنجی را که مخاطب از زندگی می‌کشد تلطیف می‌کند. در همه دنیا هنرمندان یک زبان مشترک دارند. یعنی یک هنرمند از افتراق صحبت نمی‌کند. از وحدت صحبت می‌کند. همین کارکرد را اگر در جامعه ایران در نظر بگیریم یعنی چندقرن هنر می‌تواند کمک کند. هنرمند کجای این ماجرا قرار دارد و هنرمند خوش‌نویس کجا قرار دارد؟ همین که مراسمی باشد و در یک گوشه‌از این مراسم بخوانند خوش‌نویسی هم باشد. من بروم تلویزیون در یک برنامه گوشه‌ای بنشینم و شروع کنم به خوش‌نویسی کردن و گاهی مجری بیاید و آفرینی هم بگوید. خوش‌نویس هیچ وقت وارد متن قضیه نمی‌شود.

چطور می‌توان این هنر را وارد متن کرد؟ متولیان باید وارد کنند. چقدر در آموزش و پرورش نیروی متخصص برای بخش هنر کم داریم؟ می‌شود این‌ها را وارد کار کرد. خب چه کسی باید بکند؟ من در مشهد نمی‌توانم به آموزش و پرورش تکلیف کنم. انجمن خوش‌نویسان ایران باید یک تفاهم‌نامه با آموزش و پرورش بنویسد که ما این هنرمندان را به کار بگیریم. هر زائری که مهمان ادارات و نهاده‌ها در مشهد باشد، از این شهر دست‌خالی نمی‌رود. می‌توان ادارات را مکلف کرد که در کنار نبات و زعفران، یک اثر هنری هم در بسته سوغاتی‌ها مهمان‌نشان بگذارند، یا در

مشهد مثلاً یک حراج هنری داشته باشیم که وقتی زائر می‌آید، یک‌روز اگر می‌رود حرم. یک‌روز طربقبه و شاندیز و یک‌روز آرامگاه فردوسی، یک‌روز هم گردشگری هنری کند و در این حراج دوری بزند، یا اینکه ما این همه انبوه‌ساز داریم که می‌خواهند از شهرداری پایان‌کار بگیرند. اگر این انبوه‌ساز را مکلف کنیم که با مجتمع‌هایی که می‌سازد یک اثر هنری هم باشد،

خط، نقاشی، مجسمه یا هر اثر هنر دیگری، می‌پینید که تولیدات هنری در شهر چه تکانی می‌خورند. یک چرخه شروع می‌شود و از کسی که ابزار هنری را می‌فروشد تا کسی که قاب تابلو می‌سازد، باید بازارش رونق بگیرد. این‌ها را هکارهای خیلی ساده‌ای هستند. اگر آدم تخصصی تر بنشیند و فکر کند، خیلی چیزهای دیگری هم ممکن است به ذهنش بیاید ولی جای همین‌ها هم خالی است.

این‌ها که گفتید خیلی خوب‌اند ولی می‌توانیم به این قضیه شکلی دیگر هم نگاه کنیم؟ یعنی بگوییم درست است که باید برای حمایت از هنر به سامان‌ها تکلیف شود ولی از این طرف به کار می‌توانیم بکنیم که در خود مردم و ادارات مطالبه به وجود بیاید؟ یعنی قبل از تکلیف، مطالبه به وجود بیاید که ناخودآگاه خودش به سمت تکلیف هم برود. این فرهنگ را برای مردم به وجود بیاوریم که با آثار هنری مانوس شوند و آثار هنری را بخردند و به آن‌ها نشان دهیم که چقدر این کار اهمیت دارد.

این را هم متولی‌اش باید شروع کند. مردم خوراک فکری‌شان را از رسانه که می‌تواند بیلورد، روزنامه یا تلویزیون باشد، می‌گیرند، هر چیزی در فرهنگمان که ایرانی نیست ولی از طریق رسانه جا افتاده است. رسانه باید فرصت ایجاد کند در جهت اینکه ذائقه مردم به این سمت بیاید. یک‌بار که مصرف‌کنند، کسی که طالبش باشد به سمتش می‌آید. متأسفانه برای همان یک‌بار کم‌کاری می‌شود.

چه کار می‌شود کرد که خود خوش‌نویسان بتوانند اجتماع قوی‌تری داشته باشند که صدایشان بلندتر شود و این مطالبات را مطرح کنند؟ آن صدا الان در نظر می‌آید که خیلی کم است. شاید صداهای منفردی بیرون بیاید ولی این صداهای منفرد در مجموع شنیده نمی‌شوند.

خوش‌نویس معمولاً یک آدم برون‌گرا نیست. شاید باورتان نشود ولی هنوز خوش‌نویسانی داریم که



می‌گویند ما برای دلمان می‌نویسیم. در همین مشهد خوش‌نویسانی را می‌شناسم که در اندازه‌های استاد امیرخانی هستند ولی چون برای دلشان کار می‌کنند، کسی آن‌ها را نمی‌شناسد. این آدم‌ها مظلوم واقع می‌شوند. شاید اصلاً ندانند که خواسته‌ها و نیازهایشان چیست، بعد که می‌آیند بیرون می‌فهمند که مثلاً یک کاغذ را که قبل‌برگه‌ای ۲ هزار تومان می‌خریده‌اند الان باید برگه‌ای ۱۵۰ هزار تومان بخرند. این جورى شاید بفهمند که دوروبرشان چه گذشته است. این وظیفه انجمن خوش‌نویسان است که پاتوق‌های خوش‌نویسی را برای آن‌ها ایجاد کند. متأسفانه انجمن خوش‌نویسان از سطح خرد تا کلان فقط به هنرچو به شکل یک ماشین تولید پول نگاه می‌کند. بیا ثبت‌نام کن! این قدر پول بده! آزمون بده! اگر گواهی‌نامه‌ات را می‌خواهی، این قدر بده! ما در اساس نامه انجمن خوش‌نویسان «ترویج خوش‌نویسی و حمایت از هنرمند» داریم. ولی الان فقط روی بخش ترویج کار می‌کند. در سطح کلان، در انجمن خوش‌نویسان ایران که‌کهن‌ترین انجمن هنری ایران است و درآمد هم دارد، متأسفانه اقدام عملی برای حمایت از خوش‌نویس انجام نمی‌شود، مگر برای همان حلقه‌ای که نزدیک‌تر به کانون اصلی است. اگر کاری قرار است فروخته شود، اگر نمایشگاه خارجی

قرار است بروند، برای همان کسانی است که آن دوروبر هستند. هنرمندان شهرستان اصلاً دیده نمی‌شوند. یک عدالت هنری باید وجود داشته باشد که چتری بر سر همه هنرمندان باشد. بارانی اگر قرار است ببارد، روی سر همه ببارد، نه اینکه فقط در تهران ببارد.
● شما خودتان هفت سال عضو هیئت مدیره انجمن خوش‌نویسان استان بودید و قدرت تصمیم و اجرا داشتید. این ایده‌ها را چرا آن موقع پیاده نکردید؟ سعی کردم ولی به جایی نرسید. انجمن خوش‌نویسان در شهرستان‌ها یک وزنه محسوب نمی‌شود. انجمن در سطوح بالا قدرت دارد، چون وزنه‌ها بالا هستند. استادامیرخانی چهره خوش‌نویسی است و اعتبار دارد و اگر با وزارتخانه‌ها رایزنی‌کنند این اتفاق شدنی است.
● از این وزنه‌ها که می‌گویید ما در خراسان و مشهد کم نداریم. اگر ما از لحاظ تولید در خیلی از رشته‌های هنری در کشور اول نباشیم، رتبه‌های بالایی داریم و همچنین از لحاظ هنرمندانی که از این آب‌و‌خاک برخاسته‌اند و در سطح بین‌المللی دارند فعالیت می‌کنند افراد زیادی داریم. چرا نباید بتوانیم این اتفاقات را در استان و شهر خودمان رقم بزنیم؟ من اعتبار هنری را نمی‌گویم؛ منظورم اعتبار اجرایی است.

● حتی همان اعتبار اجرایی مگر چطور به وجود می‌آید؟ مگر ما نمی‌توانیم یک رویداد هنری با مرکزیت مشهد در کشور ایجاد کنیم. این همه چهره درجه یک هنری در مشهد داریم. نمی‌شود به این سمت برویم که به جای اینکه در تهران به دنبال قدرت و اعتبار باشیم، خودمان از همین جا اتفاقات را رقم بزنیم؟ بهتر نیست هنرمندان مشهدی کمی بیشتر به این قضیه فکر کنند که به جای اینکه منتظر باشند دیگران از بیرون بیایند به آن‌ها بها بدهند، خودشان مطالبه‌گری کنند؟

قرار نیست قشون کشی کنیم. ما می‌گوییم مجموعه خوش‌نویسان مشهد در انتخابات انجمن شرکت می‌کنند و یک شورا را به عنوان متولیان خوش‌نویسی مشهد انتخاب می‌کنند. این شورا سخنگوی همه این‌هاست. من در آن دوره‌ای که در انجمن بودم همه این کارهایی را که شما می‌گویید کرده‌ام. با نمایندگان مجلس صحبت کردم، با شورای شهر صحبت کردم، با شهرداری، با اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی ولی نتیجه نگرفتم. همان

«نه»یی را که می‌خواهند به دیگر شهروندان بگویند به ما محترمانه‌تر می‌گویند. این است که می‌گویم بعضی کارها در سطح کلان باید اتفاق بیفتند. آموزش و پرورش در سطح کلان نیروی آموزشی متخصص هنر کم دارد. این هم در مشهد مشهود است و هم در در شهرستان‌های کوچک. این خوش‌نویسان را آموزش و پرورش نمی‌آموزش نداده است. یک عده نیروی آموزش دیده آماده‌به‌کار اینجا هستند که می‌توانند آن‌ها را جذب کنند. این دیگر دست من نیست. من هرچه رایزنی کنم، جواب نمی‌دهد و باید در سطح کلان اتفاق بیفتد. کافی است وزیر آموزش و پرورش، وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی و رئیس شورای عالی انجمن خوش‌نویسان بنشینند و تفاهم کنند. استاد امیرخانی اهمیتش از یک وزیر در جامعه هنری بیشتر است، چون در سطح بین‌المللی شناخته شده است.

● چرا ما همین شرایط را در اینجا فراهم نکنیم؟ مثلاً ما در شهر خودمان یک رویداد هنری در زمینه خوش‌نویسی داریم؟ نداریم. این هم خیلی بحث‌برانگیز است. مثلاً جشنواره رضوی ابتدا در مشهد برگزار می‌شد. بعد به شهرهای دیگر دادندش و الان دارد در شهرهای مختلف می‌چرخد. از وقتی که می‌چرخد من فکر می‌کنم همان میزان آشنایی هم که وقتی در مشهد برگزار می‌شد به دست آورده بود، متزلزل شده است. شما از

یک جهت بد نمی‌گویید. میرعماد اصالتاً قزوینی است. وقتی وارد قزوین می‌شوید، میدانی به نام او دارید و تندیس او را می‌بینید. حالا ما سلطانعلی مشهدی را داریم که در حرم مطهر هم دفن شده و از بزرگان خوش‌نویسی در تاریخ و همسنگ میرعماد است. در مشهد جز یک ساختمان به نام سلطانعلی مشهدی و یک نگارخانه که در کوهسنگی که آن هم متروک

افتاده و به شکل انبار از آن استفاده می‌شود، دیگر نامی از سلطانعلی مشهدی نمی‌شنویم. نه یک خیابان به اسمش داریم. نه تندیس‌ی از او داریم. این کارها را چه‌کسی باید بکند؟ این کار شهرداری است دیگر، انجمن که نیست. وظیفه انجمن این است که این‌ها را بگوید. ما بارها گفته‌ایم. من بارها در مصاحبه‌هایم گفته‌ام ولی این اتفاق نیفتاده است.

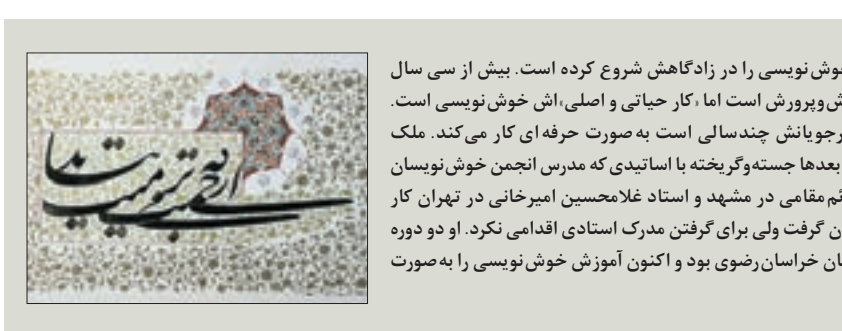
● رویداد خوش‌نویسی را که انجمن می‌تواند برگزار کند؟ بله. در قزوین دوسالانه خوش‌نویسی داریم. وقتی انبوهی خوش‌نویس از همه‌جای‌کشور هر دو سال یک‌بار به شهری گسیل شوند، خوش‌نویسی را در آن شهر تکان می‌دهند. ما پتانسیلش را داریم. همین‌طور که الان در سینما این پتانسیل را داریم. چند سینماگر موفق مشهدی در سطح ملی داریم؟ این‌ها از مشهد که مهاجرت کردند، دیده شدند، اگر در مشهد بودند به این اندازه رشد نمی‌کردند. هنرشان فرقی نکرده، نحوه مطرح‌شدنشان فرق کرده است.

● این‌ها درست ولی بالاخره جایی باید بشود این روند را معکوس کرد. قطعاً کسی نمی‌آید به جز خود هنرمندان این دل‌سواری را برایشان بکند. به جای اینکه بگوییم هنرمند برای اینکه دیده‌شود مجبور است به مراکز قدرت نزدیک شود و مهاجرت کند، بگوییم چطور می‌شود که این قدرت را برای مثال در خوش‌نویسی ما در مشهد ایجاد کنیم. اعتباردهی را در مشهد ایجاد کنیم از راه‌های مختلف، مثلاً با برگزاری رویدادهای هنری و رایزنی با سازمان‌ها.

روی همین برگزاری رویدادهای هنری توقف کنید. برگزاری یک رویداد در سطح ملی هزینه‌دارد. اسپانسر آن کیست؟ یا بخش خصوصی است یا بخش دولتی. بخش خصوصی زمانی حاضر می‌شود که انتفاع بیشتری از آن ببرد. چون بخش خصوصی فقط پول رامی‌شناسد. بخش خصوصی نداریم که از هنر بخواد انتفاعی ببرد.



عکس: جواد کرمانی شهرلا



وقتی جمعی دغدغه‌اش این باشد، نمی‌تواند بنشیند و راه‌حل‌های ممکن و تجارب دیگران را بررسی کند؟ نمی‌شود از متخصصان اقتصاد هنر و بازرگانی کمک بگیرد؟

فکر نمی‌کنم بخش خصوصی خودش از همان ابتدا وارد شود. باید ابتدا یک جای دیگر ورود کند و بخش خصوصی میوه‌هایش را ببیند، بعد شاید بیاید سرمایه‌گذاری کند. من می‌گویم ابتدا باید شهرداری این کار را بکند. در خیلی از کشورها شهردار نفر اول شهر است. اینجا هرچند تقسیم‌وظیفه شده است ولی باز هم گستره عمل شهرداری نسبت به نهادهای دیگر بیشتر است و پول هم دارد.

● شهرداری و سازمان‌های دیگر باید حمایت کنند. درست است. بیایید نقش آن‌ها را قبول کنید ولی کنار بگذاریم. خود هنرمندان چطور می‌توانند قوی‌تر باشند؟

باید ذائقه اجتماع تغییر کند. هرچور نگاه کنید هنرمند به تنهایی نمی‌تواند. مثلاً چقدر کار دارد که یک روز در هفته برهای شهر را به هنر اختصاص بدهند و آثار هنرمندان را اکران کنند؟ الان کسی اگر وارد مشهد شود، هنرمندان را می‌شناسد؟ چرا در خانه هر هنرمندی در مشهد یک کاشی نصب نباشد که نشان بدهد در این ساختمان یک خوش‌نویس و یک نقاش زندگی می‌کند و مردم او را بشناسند. وقتی هنرمند شناخته و دیده‌شود، می‌تواند تأثیرگذار باشد.

● مقوله‌ای به نام اقتصاد هنر داریم که در همه دنیا از آن استفاده می‌شود و حتی بخش خصوصی دارد این‌کار را می‌کند. چگونه می‌شود سرمایه‌گذاران را به سمت هنر کشاند؟

باید برای بخش خصوصی بصرفد. ● این درست ولی این صدهای تکه‌به‌تک به تنهایی نمی‌توانند این بخش را مدیریت کند. شما می‌گویید ما انجمن داریم و قرار نیست قشون کشی کنیم. درست است ولی حالا که ماجرا آن‌طور که باید پیش‌رفته است

خود هنرمندان چیرا این را از انجمن مطالبه نمی‌کنند؟

به‌خاطر درون‌گرا بودن هنرمند است و نکته‌ای که باید به آن اشاره کنم این است که خوش‌نویسی یک هنر سنتی است و هنر ملی ما هم هست. جامعه ازهرجهت برده به سرعت به سمت مدرن شدن پیش می‌رود. ولی ما خوش‌نویسی سنتی را نمی‌توانیم مدرن کنیم؛ اگر بخواهیم مدرنش کنیم، باید از قالب سنتی خارجش کنیم که آن وقت یک چیز دیگر می‌شود مثل نقاشی خط. خوش‌نویسی یک موجود در حال نابودی است. اگر کسی دلش برای هنر سنتی ما می‌سوزد و می‌خواهد از جامعه‌محو نشود، باید از آن حمایت کند. خیلی هنرها محو شده‌اند و دیگر اثری از آن‌ها نیست. شما الان جایی می‌بینید که گیوه بیافند؟ هنرهای سنتی کم‌کم دارند محو می‌شوند و از بین می‌روند.

دیگر از دست من تنها کاری ساخته نیست.

اگر می‌خواهید این هنر باقی بماند، باید حمایتش کنید. وگرنه من به شما قول می‌دهم بیست سال بعد، سی سال بعد دیگر کسی رغبتی به این هنر نداشته باشد، همان‌طور که موسیقی سنتی ما امروز به آن شدتی که موسیقی پاپ مخاطب دارد، اقبال ندارد. تا همین‌جا هم برای این‌مانده است که غول‌های موسیقی سنتی وجود داشته‌اند. مشکاتیان بوده است، لطفی، علیزاده و شجریان بوده‌اند که توانسته‌اند نگهش دارند. این‌ها که یکی یکی کنار بروند، آن موسیقی مدرن می‌آید جایش را می‌گیرد و موسیقی سنتی از بین می‌رود. من همه دغدغه‌ام این است که از خوش‌نویسی حمایت کنیم که نمیرد. نباید بی‌تفاوت از کنارش بگذریم. روز به‌روز داریم خیره‌های خوش‌نویسی‌مان را رپیر می‌کنیم و کنار می‌روند. این‌ها جایگزین ندارند. اگر استاد امیرخانی نباشد، دیگر جایگزینی ندارد.

ایستگاه خبر

نمایشگاه «کیمیای مهر» در حرم مطهر رضوی



نمایشگاه «کیمیای مهر» مشتمل بر آثار هنرمند پیشکسوت یوسف انتظاری هروی روز گذشته در نگارخانه موزه آستان‌قدس‌رضوی در صحن کوثر حرم مطهر رضوی افتتاح شد. به گزارش شهرآرا، این نمایشگاه مشتمل بر ۱۳ اثر

هنری است که در خلق آن‌ها از تکنیک‌های مختلف هنری، از جمله گل‌دوزی روی پارچه، قلاب‌دوزی، نقطه‌پردازی، تذهیب، حکاکی به‌وسیله تیغ جراحی روی مقوا، نقوش اسلیمی و... بهره‌گرفته شده و با استفاده از ابزارهایی مانند قلم رایبد، گواش و ماژیک رنگی به اجرا در آمده‌اند. قدیمی‌ترین اثر ارائه‌شده در این نمایشگاه، اثری با عنوان «شمالی»، است که در سال ۱۳۴۸ خلق شده و جدیدترین اثر این نمایشگاه نیز طی یک ماه گذشته به اجرا در آمده است. گفتنی است استاد انتظاری هروی تا کنون نمایشگاهی از آثار خویش برگزار نکرده و برای نخستین بار است که آثار وی در نگارخانه موزه رضوی به نمایش درآمده است. این نمایشگاه تا ۱۷ آذرماه در نگارخانه موزه رضوی، پذیرای علاقه‌مندان به آثار هنری خواهد بود.

چارسوق هنر

«شهباز» در جست‌وجوی هکر بین‌المللی



تصویربرداری سریال تلویزیونی «شهباز» به‌کارگردانی حمیدرضا لوافی و تهیه‌کنندگی امیر حسین آشتیانی پور و مهدی علیتی پور به پایان رسید. این سریال به نویسندگی مینا‌خدوی و ژانربلیسی‌معمای‌موضوع

فضای مجازی و پلیس سایبری در سی قسمت چهل‌وودقیقه‌ای تهیه و تولید شده است. این مجموعه تلویزیونی درباره یک گروه سایبری است که به دنبال هکری بین‌المللی هستند. پلیس سایبری با اشراف به این فضا با مجرمان برخورد می‌کند و به‌استان مردمی هم که از آن‌ها سوءاستفاده شده است و طمعه افراد خلاف کارشده‌اند، می‌پردازد. در مجموعه تلویزیونی «شهباز» آرش مجیدی، علیرضا آرا، رضا داوودنژاد، میلاد میرزایی، مهدخت مولایی، نیما نادری و فاطیما بهارمست و... نقش آفرینی می‌کنند. تصویربرداری شهباز از بهمن سال گذشته شروع و اوایل آذرماه به اتمام رسید و به‌دلیل محتوای سایبری از جلوه‌های ویژه رایانه‌ای زیادی برخوردار است و اکنون در مرحله امور فنی پس از تولید قرار دارد.

«رؤیا» و دریافت ۳ جایزه از ونزوئلا



فیلم کوتاه «رؤیا» از مشهد موفق به کسب سه جایزه از جشنواره «پنج‌قاره» ونزوئلا و حضور در جشنواره‌های «حقوق بشر بارسلونا» و «فیلم‌های آسیایی لس‌آنجلس، هالیوود» شد. جشنواره بین‌المللی «پنج‌قاره» Five Continents» یک

جشنواره برخط و ماهانه بین‌المللی است که در آن فیلم‌های متنوع از سراسر جهان گردهم می‌آیند تا برای جوایز مختلف جشنواره به رقابت بپردازند. جشنواره بین‌المللی «حقوق بشر بارسلونا» از قدیمی‌ترین و مهم‌ترین جشنواره‌های بین‌المللی حقوق بشر در دنیاست که علاوه بر بخش مسابقه فیلم‌ها، هرسال دارای برنامه‌های مختلفی مثل مستر کلاس‌ها، بازارها و سمینارها و... خواهد بود. جشنواره بین‌المللی «فیلم‌های آسیایی لس‌آنجلس، هالیوود» با هدف تقویت تبادل و همکاری فیلم و فرهنگ آسیایی و هالیوودی، ترویج توسعه نوآورانه در صنعت فیلم و پرورش خلاقیت در فیلم‌سازی در جهان تأسیس شده است.

«لوپتو» ۵ میلیاردی شد



با گذشت قریب به یک ماه از آغاز اکران انیمیشن سینمایی «لوپتو»، فروش این انیمیشن با تکیه بر جذب ۱۸۵ هزار مخاطب کودک و دانش‌آموز سراسر کشور، به‌مرز فروش ۵ میلیارد تومان رسیده است. «لوپتو»

هم‌زمان با شروع سال تحصیلی تمرکز ویژه‌ای بر اکران‌های مدارس داشت و طبق آمار سهم دانش‌آموزان سراسر کشور از فروش این انیمیشن ۳۶ هزار مخاطب و ۷ میلیارد و ۶۰۰ میلیون ریال بوده که به‌عبارتی برابر با ۲۰ درصد مخاطبان و ۱۶ درصد فروش آن است.

«درب» برنده بالون نقره‌ای «۳ قاره نانت» شد



فیلم سینمایی «درب» به کارگردانی هادی محقق و تهیه‌کنندگی رضا محقق در سومین حضور جهانی خود در بخش مسابقه بین‌الملل‌چهل‌وچهارمین دوره جشنواره سه‌قاره در شهر نانت فرانسه برنده جایزه «بالون نقره‌ای» این رویدادسینمایی شد. «درب» روایتگر مأمور اداره برقی است که قرار است برق خانه‌ای تک و دورافتاده را وصل کند. هادی محقق، محمد اقبالی و... از جمله بازیگران این اثر هستند.